

**نگاهی به
تاریخ ارمنیان تهران**

(خلاصه کتاب جامع تاریخ ارمنیان تهران)

**نگارش ادیک باغداساریان
(ا. گرمانیک)**

تهران ۱۳۸۰

ISBN 964-06-0748-7

شابک ۹۶۴-۰۶-۰۷۴۸-۷

ԷՂԻԿ ԲԱՂՂԱՍԱՐՅԱՆ
(Էդ. Գերմանիկ)

**ՀԱՄԱՌՈՏ ԱԿՆԱՐԿ
ԹԵՐԱՆԱՀԱՅ
ՀԱՄԱՅՆՔԻ
ՊԱՏՄՈՒԹՅԱՆ**

(Պարսկերեն)

Թեհրան 2001

ISBN 964-06-0748-7

شابک ۹۶۴-۰۶-۰۷۴۸-۷

نگاهی به تاریخ ارمنیان تهران

(خلاصه کتاب جامع تاریخ ارمنیان تهران)

نگارش ادیک باغدادساریان
(ا. گرمایک)

فهرست

- سخن نگارنده ۳
- ۱- پیشگفتار ۴
 - ۲- استقرار ارمنیان در تهران ۶
 - ۳- نقش سیاسی ارمنیان و برخی چهره های سیاسی - نظامی ۹
 - ۴- انجمن های ارمنی تهران در انقلاب مشروطه ۱۰
 - ۵- سفارت ارمنستان در تهران ۱۱
 - ۶- اقتصاد ۱۳
 - ۷- فرهنگ
- ۱-۷- ادبیات ۱۴
 - ۲-۷- هنر نقاشی ۱۶
 - ۳-۷- موسیقی ۱۶
 - ۴-۷- هنر تئاتر ۱۸
 - ۵-۷- علوم ۱۸
 - ۶-۷- کتابخانه ها ۱۹
 - ۷-۷- انجمن ها و مؤسسات فرهنگی ۲۰
 - ۸-۷- چاپخانه ها ۲۱
 - ۹-۷- مدارس ۲۱
 - ۱۰-۷- نشریات ۲۴
 - ۱۱-۷- فرقه های مذهبی ۲۷
 - ۱۲-۷- کلیساهای ارمنی تهران ۲۸
- منابع ۲۹

سخن نگارنده

مطالبی که تحت عنوان «ارمنیان تهران» تقدیم خوانندگان می شود بر پایه آگاهی های گسترده ای آماده گردیده که برای نگارش تاریخ مفصل ارمنیان ایران گردآوری شده است. این آگاهی ها از سوئی گسترده و از دیگر سو نیز به علت کمبود منابع کافی موثق دارای کاستی های بسیار است لذا انجام چنین کار جامع و کاملی نیازمند زمان و پژوهش فراوان می باشد لیکن از آنجا که ارائه موضوع برای تهیه مجموعه تاریخ تهران هر چه زودتر می بایست آماده می گردید لذا به همین مقدار بسنده کرده ایم بدون آنکه ادعایی در جامع و کامل بودن آن داشته باشیم. نکته دیگر که باید یادآوری شود این است که چون محدودیتی در حجم مطلب وجود داشت لذا در بسیاری موارد جزئیات نگاشته موضوع را به طور کلی بررسی کرده ایم چه در غیر اینصورت حجم مقاله به چندین برابر افزایش می یافت. اکنون سه ویرایش از تاریخ ارمنیان تهران تهیه کرده ایم: ۱- تاریخ مفصل ارمنیان تهران (به ارمنی در ۴۵۰ صفحه) ۲- تاریخ اجمالی ارمنیان تهران (به ارمنی در ۱۳۰ صفحه) ۳- خلاصه تاریخ اجمالی ارمنیان تهران (به ارمنی در ۲۵ صفحه) ۴- نگاهی به تاریخ ارمنیان تهران (به فارسی - چاپ شده در شماره های مختلف دو هفته نامه لویس) ۵- نگاهی به تاریخ ارمنیان تهران (نسخه ارمنی مقاله حاضر - چاپ شده در شماره های مختلف ماهنامه آراکس تهران).

در این جا بایسته است از کلیه آگاهان و دارندگان رأی در این باب درخواست نمائیم آگاهی های تکمیلی و تصحیحی و نقطه نظرهای خود را جهت راهنمایی نگارنده در انجام این امر مهم و دشوار، به وی ارسال نمایند که باعث سپاسگزاری و امتنان نگارنده خواهد بود.

۱. گرمانیک

امرداد ماه ۱۳۶۸ تهران

(بازنگری تیرماه ۷۹)

۱- پیشگفتار

پیش از پرداخت به تاریخ استقرار ارمنیان در تهران سخن کوتاهی در باره ارمنیان ایران بایسته است. با در نظر گرفتن مرزهای بین المللی کنونی، نخستین گروههای ارمنی در ایران در سده ششم پیش از میلاد به صورت هنگ های سپاهی در خدمت حکومت مرکزی هخامنشی استقرار یافتند. غیر از اینان گروهی بازرگان و پیشه ور نیز به اقتضای شغلی در ایران به سر می بردند. ارمنیان به عنوان ساکنان بومی در ایران در آتورپاتکان یا استان پارسکاهایک (parskahayk) باستان [تبریز، مرند، ارومیه (کبودان)، خوی (هر)، مراغه، سلماس (زارواند zarevand)، ماکو (آرتاز)، قره داغ (پایتا کاران paytakaran) و جز آن] زندگی می کردند. نخستین مهاجرت بزرگ ارمنیان به مرکز ایران در زمان اردشیر ساسانی (سده سوم میلادی) سپس در زمان شاپور دوم (سده چهارم میلادی) صورت گرفت و اکثر مهاجران در خوزستان و بخش های جنوب غربی کشور اسکان یافتند. مهاجرت ارمنیان به ایران در زمان چیرگی ترکان سلجوقی و مغولان روند شدیدتری به خود گرفت. در سالهای ۵-۱۶۰۴م، شاه عباس اول صفوی مهاجرت بزرگ ۳۰۰ هزار نفری (بنا به منابع دیگر ۵۰۰ هزار نفری) ارمنیان به ایران را باعث گردید که انگیزه های نظامی، اقتصادی و سیاسی عوامل مهم این کار بودند و انتظار می رفت با یاری آنان اوضاع اقتصادی و پیشه وری و بازرگانی داخلی و خارجی کشور دگرگون گردد. اینان عمدتاً در بخش های مرکزی کشور به ویژه در جلفای نو در نزدیکی پایتخت اصفهان استقرار یافتند. بازرگانان ارمنی با کشورهای فرانسه، انگلستان، هلند، ترکیه، جنوا، ونیز، روسیه و هندوستان به داد و ستد می پرداختند. پیشه وران ارمنی به حرفه های زرگری، جواهر سازی، اسلحه سازی، پوستین دوزی و نجاری مشغول بوده ارمنیان بسیاری نیز در شغل های مشاوره، ترجمانی، سفارت، سپاهیگری و جز آن خدمت می کردند. در دهه های ۷۰ و ۸۰ سده هفدهم مهاجرت ارمنیان ایران به کشورهای آسیایی (عمدتاً هندوستان) و اروپا آغاز شد و تا سده هجدهم به طول انجامید. مهاجرت بزرگ از ایران پس از انعقاد پیمان ترکمنچای آغاز شد و آنان به ارمنستان شرقی باز گشتند. در طول سالهای ۳۰-۱۸۲۸ حدود ۴۵ هزار نفر به استانهای ایروان و نخجوان منتقل شدند. اوضاع ارمنیان در سده نوزدهم بهبود نسبی یافت و آنان اجازه ارتقاء به مقامات بالا را یافتند. از جمله میرزا ملکم خان، هوانس ماسهیان، هوانس خان آگچالیان، ست خان آستوازادور، خانواده بینیکولوپیان، داویت خان داوتیان، سرهنگ زهراب خان امیر توپخانه و جز آنان قابل ذکرند. تادئوس آراکلیان و فرزنداناش استپان و تیگران، اسماعیل خان که زرگران و هوانس غازاریان پوستین دوز دربار بودند. دکتر داویت خان مگردیچیان و فرزنداناش سوغومون و هونان، جراح کاراپت آبراهامیان و دیگران مشهور بوده اند. جمعیت ارمنی ایران در سال ۱۸۵۱ حدود ۲۰ هزار نفر، در ۱۸۹۰

حدود ۸۰ هزار، و در ۱۹۷۸ حدود ۲۰۰ هزار نفر بوده است. طبقه بندی اجتماعی جامعه بسیار متنوع است، از سوی سرمایه داران و بازرگانان بزرگ و از دیگر سو صنعتگران و پیشه وران، هنرمندان و اندیشمندان و طبقه روشنفکر تحصیل کرده وجود دارند. روشنفکران شامل پزشکان، مهندسان، آموزگاران و کارمندان مؤسسه های خصوصی و دولتی را تشکیل می دهند. جامعه توسط شوراهای خلیفه گری اداره می گردد و توسط دولت در جهت انجام امور خاص جامعه همچون مسائل مربوط به خانواده، ارث، تولد و غیره به آنها رسمیت داده شده است. تا سال ۱۹۵۶ کلیسای ارمنی ایران وابسته به مقرر کل جاثلیق ارمنیان جهان مستقر در اچمیادزین ارمنستان بود لیکن از این تاریخ به بعد در اثر برخی تحولات سیاسی ایران و نیز بنا به تصمیماتی کلیسا به مقرر دوم کلیسای ارمنی واقع در آنتیلیاس لبنان وابسته شد. در ایران سه حوزه اسقفی ارمنی (مسیحی گریگوری) وجود دارد. یکم حوزه آذربایجان (با مرکز تبریز و دارای ۵۷ کلیسا) دوم حوزه تهران، سوم حوزه جنوب ایران (با مرکز جلفای اصفهان و دارای ۲۱ کلیسا). غیر از کلیساهای یاد شده، کلیسای کاتولیک ارمنی، کلیسای ارمنیان پروتستان و چند گروه مذهبی کوچک تر نیز وجود دارد. انجمن های موجود عبارتند از: انجمن کل خیریه ارمنی (از سال ۱۹۳۱)، سازمان ورزشی، فرهنگی آارات (از ۱۹۴۱)، انجمن زنان، انجمن ملی و فرهنگی ارمنیان ایران (از ۱۹۷۹)، انجمن ساناهین، انجمن سپیان و جز آنها.

در ایران حدود ۴۰ مدرسه ارمنی وجود دارد. در سال ۱۹۳۶ در اثر سیاست «ایرانیزه کردن» رضا شاه کلیه مدرسه های ارمنی تعطیل شد و پس از بازگشایی (۴۳-۱۹۴۱) تدریس کلیه دروس به زبان فارسی اجباری گردید و تنها زبان و ادبیات و تاریخ و دروس دینی به زبان ارمنی تدریس می شد. پس از انقلاب اسلامی تدریس دروس ارمنی در مدارس ارمنی دچار تحول شد. پیش از انقلاب در دانشگاه تهران و اکنون در دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی دوره های ارمنی شناسی برقرار است.

نخستین نشریات ارمنی ایران «شارژوم» (جنبش) و «شاویغ» (راه یا روش) نام داشته اند که در سال ۱۸۹۴ در تهران انتشار یافته و تا کنون حدود یکصد نشریه انتشار یافته است. ارمنیان در مجلس ایران حق داشتن دو نماینده را دارند (پس از انقلاب مشروطه سالهای ۱۱-۱۹۰۵).

از چهره های سرشناس ارمنیان ایران در دوران اخیر باید آلتوش دریان ستاره شناس ارمنی، مارکار قره بگیان (دو) شاعر، گالوست خانیان (خاننس) شاعر و ادیب، آرا هوانسیان ادیب، مانوئل ماروتیان هنرپیشه، مهندس هوانس توماسیان، و هارپیک تامرازیان، ساموئل خاچیکیان کارگردان سینما، آرامائیس آفامالیان و آربی هوانسیان کارگردان تئاتر و غیره را نام برد.

۲- استقرار ارمنیان در تهران

استقرار ارمنیان در تهران احتمالاً از اواخر سده هجدهم میلادی آغاز شده است یعنی هنگامی که کریم خان زند ده خانواده ارمنی سنگ تراش (بنا به منابعی جواهرساز) را از جلفای نو (اصفهان) به آنجا آورده در ده دولاب و حومه شهر اسکان داد جایی که گورستان قدیمی ارمنیان اکنون واقع است. اگر پیش از آن در تهران ارمنی زندگی می کرده باید مسافر یا شاغلین موقت بوده باشند و نه ساکنان ثابت. آنان در سال ۱۷۶۸ اقدام به بنای کلیسای تادئوس بادوغمئوس مقدس در "کوچه ارمنه" واقع بین گذر غریبان و بازارچه حضرت عبدالعظیم نمودند. آغا محمد خان قاجار در سال ۱۷۹۵ اسرایی را از ارمنستان به تهران فرستاد و از قراباغ هم ۵ خانوار ارمنی را به اینجا مهاجرت و در منطقه دروازه قزوین اسکان داد. در این محله دو خانواده ارمنی اهل تغلیس به نامهای هوسپیان و استپانیان زندگی می کردند. کلیسای کوچک قبلی این محله به هزینه آنان ساخته شده بود.

پس از به قدرت رسیدن فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۷۹۸ از نواحی مختلف کشور سیر مهاجرت ارمنیان به تهران آغاز شد. به فرمان این پادشاه از جلفای اصفهان و تبریز صنعتگران ارمنی به تهران آورده شدند. اکثریت ارمنیان در دروازه قزوین اسکان داشت اگر چه در ناحیه شاه عبدالعظیم و نواحی دیگر تهران، ملیت های دیگر نیز زندگی می کردند. در ناحیه شاه عبدالعظیم کلیسای کوچک یاد شده وجود داشت که در محوطه آن ولیعهد گرجستان آلكساندر و دیگر شخصیت های سایر ملل دفن شده اند. در محله دروازه قزوین کلیسای گئورگ مقدس در سال ۱۸۸۴ به جای کلیسای قدیم ساخته شد (بنای ۹۵-۱۷۹۰).

با ترقی و رونق شهر تهران و ایجاد امکانات نسبی بیشتر، سیل مهاجران از سرتاسر کشور به آنجا سرازیر گردید. ارمنیان نیز به عنوان بخشی از جامعه ایران از این امر مستثنی نماندند. به ویژه آنکه در اثر از هم پاشی تدریجی جوامع روستایی و روی آوری روستاییان به شهرها ارمنیان بسیاری در طلب کار و اشتغال به تهران آمدند. طبق آمار نقل شده توسط تذکره نویسان و برخی نشریات جمعیت ارمنی تهران در سالهای مختلف به شرح زیر بوده است:

در سال ۱۸۵۱م.	۳۱۰ نفر
" ۱۸۵۷م.	۵۵۱ نفر
" ۱۸۷۱م.	۷۵۰ نفر
" ۱۸۸۰م.	۱۱۷۷ نفر
" ۱۹۰۳م.	۱۴۵۰ نفر
" ۱۹۱۴م.	۲۹۰۵ نفر
" ۱۹۲۲م.	۳۲۴۷ نفر
" ۱۹۵۹م.	۶۰/۰۰۰ نفر

“ ۱۹۷۸ م. ۱۱۰/۰۰۰ نفر

غیر از تهران در حومه و اطراف شهر نیز ارمنیان اسکان یافته اند. مثلاً در ۱۸۹۸ جمعیت ارمنی ونک ۳۵ خانوار با یک کلیسا و کشیش و مدرسه، خردون در شرق ونک با ۲۲ خانوار، دروس در شمال شرق تهران با ۱۲ خانوار، بوم هن با ۱۱ خانوار، ده لشکرک با ۶ خانوار، تالو، گلندوک ۱۱، ده حسن آباد ۱۲، ده تیغستان با یک، قلعهک با دو، داودیه با ۴ و منصورآباد با ۳۰ خانوار.

به جز از سیر طبیعی مهاجرت ارمنیان به تهران یک عامل مهم دیگر باعث کثرت جمعیت آنان در پایتخت گردید. پس از پایان جنگ دوم جهانی بنا به پیشنهاد دولت ارمنستان و تصمیم مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵ دولت اتحاد جماهیر شوروی مهاجرت ۳۰ هزار نفر ارمنی از کشورهای ایران، یونان، بلغارستان، رومانی، لبنان و سوریه به ارمنستان مجاز اعلام گردید. در این سال بیش از ۱۳۰ هزار نفر از این کشورها تقاضای مهاجرت نمودند لذا تعداد واقعی مهاجران از ۵۰ هزار نفر گذشت که از این تعداد ۲۰۵۹۷ نفر از ارمنیان ایران بودند. نخستین کاروان مهاجران در ۲۹ ژوئن ۱۹۴۶ از تهران راهی ارمنستان شد. در سال ۱۹۴۷ تعداد ۳۵۴۰۱ و در ۱۹۴۸ تعداد ۱۰ هزار نفر از کشورهای مختلف از جمله ایران به ارمنستان مهاجرت نمودند. پس از آن با توجه به مشکلات فراوان مانند خانه و محل اسکان و جز آن مسأله مهاجرت موقتاً متوقف گردید. امور مربوط به مهاجران توسط نمایندگان ویژه دولت ارمنستان و در برخی کشورها توسط سفارت شوروی انجام می گردید. بدین منظور در ۳۱ مارس ۱۹۴۶ «کمیته مرکزی کمک به مهاجران ارمنی ایران» در تهران تشکیل شد. نمایندگان ارمنستان مارتیروس ملکونیان، روبن کلانتریان و روبن غازاریان وارد تهران شدند، اینان در واقع سازمان دهندگان کمیته یاد شده با همکاری ارمنیان محلی بودند و لذا یکی از شخصیت های خیر تهران به نام رومان عیسیایف به ریاست این کمیته برگزیده شد، اعضای دیگر عبارت بودند از: اسقف واهان گستاندیان رهبر حوزه اسقفی و رئیس تشریفات، هایک گاراگاش نایب رئیس، آشوت خانجیان و غازار سیمونیان. محل کمیته واقع در خیابان نادری (جمهوری فعلی) کوچه همایون پلاک ۶۲ بود. در این سالها عده کثیری از ارمنیان به ویژه روستائیان برای مهاجرت نام نویسی کردند و تعداد روستائیان ارمنی به تنهایی بالغ بر ۳۰ هزار نفر بود. با وجود اینکه به برخی روستاها اطلاع داده شده بود که خانه و اموال خود را تا اطلاع ثانوی به فروش نرسانند لیکن تب مهاجرت از یک سو و نیز ظلم و ستم خانها و فئودالهای محلی از دیگر سو تاب تحمل را از روستائیان گرفته بود و لذا این امر باعث گردید تا آنان دار و ندار خود را فروخته برای مهاجرت مهیا شوند. گروه اخیر پس از چندی از روستاهای بربرود، چپلاق، کزاز، کمره، چهارمحال و سلطان آباد و جز آنها با مسایل فراوان روبرو گشته به تهران آمدند و در نواحی بهجت آباد، یوسف آباد، قزل قلعه، حشمتیه، مجیدیه، وحیدیه، زرکش و نارمک و جز اینها اسکان یافتند. یکی از مهمترین مراکز اینگونه مهاجران منطقه بهجت آباد بود که ۱۲۰۰ خانواده ارمنی را در خود جای داد. اینان پس از تلاش تقریباً

دراز مدت حدود ۱۵ سال توانستند به زندگی خویش سر و سامان بدهند. در بهجت آباد با تلاش بسیار، در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۸ مدرسه نرسیسیان به همت گروهی از اهالی در جهت رهایی بچه های بیکار و آواره در کوچه ها تأسیس یافت. در اوت ۱۹۵۵ شهرداری دستور تخریب این محله را داد لذا اهالی به مناطق دیگر شهر تغییر مکان یافتند.

همانگونه که اشاره شد به علت مشکلات عدیده امر مهاجرت از سال ۱۹۴۷ متوقف گردید اما پس از مدتی مهاجرت به طور مستقیم از محل و یا از طریق تهران از سر گرفته شد. در دهه ۱۹۵۰ چند صد خانواده تقاضای مهاجرت نمودند. در دهه ۱۹۶۰ طبق توافقی که میان دولت های ایران و شوروی به عمل آمد دولت ایران به ارمنیانی که مایل به ترک تابعیت و اسکان همیشگی در ارمنستان شوروی هستند اجازه مهاجرت داد. در سال ۱۹۶۳ کار انتقال اینان آغاز شد و تا کنون به صورت مستمر ادامه دارد.

اکنون جمعیت ارمنی تهران بالغ بر یکصد هزار نفر است و اینان عموماً "در نواحی نارمک، زرکش. وحیدیه، مجیدیه، حشمتیه، بهار، یوسف آباد، نادر شاه، ویلا، محله عزیز خان و جز آن اسکان دارند.

۳- نقش سیاسی ارمنیان- برخی چهره های

سیاسی- نظامی ارمنی

برخی از ارمنیان تهران که در صحنه سیاسی و نظامی ایران فعالیت هایی داشته اند اجمالا" در زیر از آنان یاد می شود :

- جهانگیر خان ارمنی وزیر صنایع ناصرالدین شاه، که تأسیسات ضرابخانه در سلطنت آباد کار او است.

- میرزا ملکم خان ناظم الدوله سفیر ایران در انگلیس (۱۸۷۴ تا ۱۸۸۹). ایتالیا (۱۹۰۹-۱۸۹۹). از کارهای او باید تأسیس روزنامه قانون را نام برد که ۵۲ شماره آن در لندن منتشر شد. از عناصر مؤثر در ایجاد فکر مشروطیت و استقرار آزادی در ایران بود. وی در تحول سبک نویسندگی امروز فارسی مؤثر بوده است.

- هوانس ماسهیان (آوانس خان مساعد السلطنه) مردی فاضل و ایران دوست بود که در سال ۱۸۶۵ در تهران متولد گردید. در ۱۹۰۳ سفیر ایران در برلین و سپس وزیر مختار ایران در لندن (۹۱-۱۸۸۹) و توکیو بود. وی در ضمن مترجم ناصرالدین شاه نیز بود.

- پیرم خان (داوتیان). از سران مشروطه که در ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ (۲۵ تیر ۱۲۸۸) تهران را فتح کرده به ریاست شهربانی منصوب گردید.

- سرهنگ گریشا از یاران رزمنده پیرم در انقلاب مشروطه و رئیس پلیس تهران.

- آلکساندر آقایان اولین حقوقدان ایرانی که به محض ورود به ایران به آزادیخواهان پیوست و جزو یاران بسیار نزدیک پیرم در آمد. پیرم نیز او را به اداره امور مالی نظمیه برگزید و او به بهترین نحو از عهده این مهم برآمد. وی سالها خدمات مهم دولتی داشت و مؤسس بیمه در ایران است.

- سرتیپ داویدخان ساگینیان فرمانده قشون ایران در استان های شیراز و اصفهان در زمان فتحعلیشاه.

- مارکارخان داویدخانیاں ناظر فتحعلیشاه (۱۸۰۴ تا ۱۸۴۸).

- امیر تومان مارتیروس خان رئیس ستاد بریگاد قزاق.

- گاسپار ایپکیان مشاور سید ضیاء الدین طباطبایی و شهردار تهران

۴- انجمن های ارمنی تهران که در انقلاب مشروطه فعالیت کرده

اند

از میان انجمن هایی که نویسندگان تواریخ مشروطیت ایران از فعالیت آنها در دوران های مختلف یاد کرده اند حزب دانشا کسوتیون قابل ذکر است. انجمن ارمنیان (دانشناک) در رشت به ریاست بیرم داوتیان و نیز این حزب سالیان متمادی است که در تهران شعبه ای دارد. روزنامه آلیک ارگان این حزب در تهران از سال تأسیس (۱۹۳۱م. برابر ۱۳۱۰شمسی) تا کنون منتشر می شود. این روزنامه در دوران انقلاب اسلامی در اعتصاب سراسری جرائد شرکت داشت.

اما در باره حزب دانشناک یا دانشا کسوتیون باید گفت که در سال ۱۸۹۰ برای کسب استقلال ارمنستان غربی (در عثمانی) در شهر تفلیس تأسیس شد و به مرور دامنه فعالیتش را گسترش داد. این حزب در سال ۱۹۰۷ که روسیه و انگلیس ایران را به دو منطقه نفوذ تقسیم کردند، در شهرهای تبریز، ارومیه، اصفهان و تهران تشکیلات حزبی خود را به طور مخفیانه دائر کرد و در انقلاب مشروطه شرکت نمود. «رستم» (استپان زوریان ۱۹۱۹-۱۸۶۷) یکی از سه پایه گذاران حزب (دو نفر دیگر: کریستاپور میکائلیان ۱۹۰۵-۱۸۵۹ و سیمون زاواریان ۱۹۱۳-۱۸۶۶) با برخی از شخصیت های مشروطه چون سید حسن تقی زاده تماس نزدیک داشت و هم او بود که عده ای از سران حزب مانند بیرم خان و پطروس خان را مأمور همکاری با مشروطه خواهان ایران کرد. از جمله افرادی که از این حزب جان خود را فدای انقلاب مشروطه کردند عبارتند از: بیرم، مارتیروس چارقیچیان، میساک، داکوریان، کارو، ستوه و جز اینان.

از جمله فعالین حزب دانشناک در ایران گاسپار ایپکیان است. وی از کارمندان مسئول حزب و مردی ادیب و نویسنده بود و در جنگ بین المللی اول در جریان قتل عام ارمنیان (۱۹۱۵) در ترکیه از آنجا فرار کرد و مدتها در کشورهای بیگانه به سر برد تا اینکه به وسیله هیئت ارامنه تهران برای انجام خدمات فرهنگی دعوت شد. وی همان کسی است که در زمان کودتای سید ضیاء الدین طباطبائی از مشاوران او بود و رسماً از طرف وی به شهرداری تهران منصوب گردید.

۵- سفارت ارمنستان در تهران

پس از انقلاب اکتبر روسیه به دستور لنین ارتش روس از قفقاز فرا خوانده شد و جبهه قفقاز در برابر قشون ترکیه بلادفاع باقی ماند. در فوریه ۱۹۱۸ دولت سیم ماوراء قفقاز متشکل از داشناکهای ارمنی، منشویکهای گرجی و مساواتهای آذربایجانی در تفلیس تشکیل شد و در ۲۲ آوریل ۱۹۱۸ ماوراء قفقاز را جمهوری مستقل اعلام نمود و با ترکیه به مذاکره پرداخت. مذاکرات به دلیل درخواستهای غیر قابل قبول ترکیه به شکست انجامید. لذا قشون ترک در ۱۵ مه به آلکساندراپول (لنیناکان یا گومری کنونی) حمله کرد و با تصرف این شهر به سوی ایروان روانه گردید. در ۲۲ و ۲۸ مه سال ۱۹۱۸ جنگ های سختی میان قشون ملی و غیر نظامیان ارمنی با سپاه ترک روی داد و به پیروزی مطلق ارمنیان انجامید. از سویی در ۲۶ مه در اثر اختلافات درونی داشناکها، منشویکها و مساواتها اتحاد آنان از هم پاشید و در همین روز گرجستان، روز بعد آذربایجان و در ۲۸ مه ۱۹۱۸ شورای ملی ارمنی که در دست حزب داشناک بود استقلال ارمنستان را اعلام نمود در این سال آرام مانوکیان به عنوان رئیس جمهوری ارمنستان سفرایی را به کشورهای همسایه اعزام داشت از این میان وی هوسپ آرغوتیان را به عنوان سفیر جمهوری ارمنستان به تهران فرستاد.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ حکومت ارمنستان به دست بلشویکهای ارمنی افتاد و دولت داشناک سقوط کرد و دولت ایران در ۱۴ اوت ۱۹۲۱ حکومت ارمنستان شوروی را به رسمیت شناخت. دولت ارمنستان شوروی در ۱۷ مه ۱۹۲۱ طی یادداشتی به دولت ایران خواستار تبادل نمایندگی های سیاسی فیما بین دولتین گردید. شاه هم آمادگی خود را اعلام نمود اما تا رسیدن نماینده دیپلماتیک ارمنستان بنا به درخواست دولت اخیر نماینده تام الاختیار جمهوری شوروی روسیه را به عنوان حافظ منافع ارمنستان سوسیالیستی به رسمیت شناخت. لذا وزارت امور خارجه ایران از سفارت پیشین جمهوری ارمنستان (داشناک) خواست تا مدارک و آرشیو و کارهایش را در تهران به نماینده تام الاختیار جمهوری شوروی روسیه بسپرد. در ضمن به سفارت دولت داشناک اطلاع داد که «با دریافت نامه و تلگراف شورای وزیران ارمنستان دولت ایران نمی تواند شمارا به عنوان نماینده دیپلماتیک ارمنستان به رسمیت بشناسد لذا ضروری است از بر افراشتن پرچم خوداری شود». لذا به زودی دولت های ایران و ارمنستان نمایندگان دیپلماتیک خود را تبادل کردند. نمایندگی سیاسی ارمنستان در تهران روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۱ توسط سفیر روسیه حافظ منافع ارمنستان افتتاح شد. تا اینکه در ۳ نوامبر ۱۹۲۱ نماینده ارمنستان لئون سارکسیان وارد تهران شد و مورد استقبال مقامات سفارت روسیه و وزارت امور خارجه ایران قرار گرفت. مراسم تقدیم استوارنامه در کاخ صاحبقرانیه در هشتم ماه ساعت ۴ بعد از ظهر انجام شد.

در ۱۳ نوامبر به درخواست نماینده دیپلماتیک ارمنستان، دولت ایران با ایجاد کنسولگری در تبریز موافقت نمود و لذا ۲۹ نوامبر ۱۹۲۱ سرکنسولگری ارمنستان در تبریز با حضور سرکنسول های روسیه، انگلیس، ایتالیا، نماینده آمریکا و سایرین افتتاح گردید و ی. یرزنیکیان به سمت سرکنسول ارمنستان مشغول به کار گردید. دولت ایران نیز طی نامه ای به آلکساندر میاسنیکیان رئیس شورای وزیران ارمنستان پذیرش سفیر ارمنستان را رسماً "به اطلاع وی رساند. از آنجا که در اواخر ۱۹۲۲ اتحاد فدراتیو جماهیر ماوراء قفقاز تصمیم به ارسال سفیر متحد خود به تهران گرفت لذا با تصمیم اول نوامبر ۱۹۲۲ شورای وزیران ارمنستان نمایندگی سیاسی آن دولت در تهران تعطیل شد اما در سفارت شوروی بخش مربوط به ارمنستان دایر گردید تا امور مربوطه را انجام دهد.

پس از اعلام استقلال جمهوری سوم در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ پروفیسور واهان بایوردیان بعنوان کاردار و سپس سفیر ارمنستان در تهران منصوب شد.

۶- اقتصاد

ارمنیان به طور کلی در برخی زمینه های خاص اشتغال داشته و دارند. طبق نوشته های مربوط به اواخر سده نوزدهم ماهرترین زرگران تهران همواره ارمنیان بودند و هرگز رقیبی نداشتند. نیز بهترین خیاطها ارمنی بودند. ایشان به کارهایی چون بازرگانی، اسلحه سازی و غیره مشغول بودند. همچنین در ادارات دولتی و ارتش شرکت داشتند و دارند. بنا به همین منابع ارمنیان نه تنها در تحت جور و ستم ملی و مذهبی قرار نداشته اند که نسبت به ارمنیان دیگر سرزمین ها از آزادی و امنیت بیشتری نیز برخوردار بوده اند.

از میان صاحبان سرمایه باید به رومان عیسایف (دهه ۱۹۳۰) اشاره نمود که یکی از نخستین افرادی بود که کارخانه آبجوسازی (۱۹۳۳) را تأسیس نمود و ضمناً تا دهه ۶۰ صاحب ۴ مؤسسه و سهامدار ۲۲ شرکت و مدیر اکثر آنها بود. وی در عین حال از افراد خیر و نیکوکار به شمار می رفت. از سرمایه داران بزرگ خانواده های ساهاکیان (نیکوکار، مؤسس مدرسه همنام)، سارکیسیان، توماسیان (نیکوکار، مؤسس مدرسه همنام)، داویت خانیان که عمدتاً در تولید نوشابه های مختلف کار می کردند. از سرمایه داران متوسط خانواده فرانکیان (کارخانه چرم سازی)، میکائیلیان و آرزومانیان، آندره (آهارونیان) (محصولات گوشتی)، کیوروغلیان (از اهالی قزوین که به تهران آمد و کارخانه ریسندگی و بافندگی تأسیس نمود) را باید نام برد. تا قبل از انقلاب اسلامی هتلهای مرمز، نادری، سینما ایفل، کافه رستورانهای شمیران و نادری و بسیاری مؤسسات و شرکتهای متعلق به ارمنیان بوده و برخی از آنان در مالکیت دولت قرار گرفته است.

غیر از موارد یاد شده بسیاری از ارمنیان در کارهایی چون مکانیکی اتومبیل، الکتریکی، نقاشی اتومبیل و ساختمان، زرگری، خیاطی، نجاری، تراشکاری، اغذیه فروشی، کفش دوزی، شیرینی پزی و نیز کارهای هنری (به ویژه نقاشی و موسیقی)، کارمندی شرکت های دولتی و خصوصی، استادی دانشگاه و جز آن مشغولند.

۷- فرهنگ

۱-۷- ادبیات

نظم و نثر ادبی ارمنی تهران در سده نوزدهم پایه گذاری شد. طرز فکر جدید و آزادخواهی ناشی از آن روی رونق ادبی ارمنی تأثیر به سزایی داشته اند. پروسه ادبی ارمنی در ایران تا حد چشمگیری از تحولات ادبی قفقاز و روسیه و نیز ادبیات سایر مهاجر نشین های ارمنی تأثیر گرفته است.

در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم ویژگی ادبیات ارمنی ایران جستجو و طلب شیوه های نو بود که حاصل آن ادبیات ترجمه ای غنی گردید. در این دوران مترجمان مشهوری چون هوانس ماسهپیان و هوسپ میرزایان پا به عرصه ادبیات نهادند.

از شخصیت های ادبی ارمنی تهران در سده نوزدهم باید هوانس ماسهپیان چهره ادبی و سیاسی دوره قاجار را یاد کرد. او دوران ابتدایی تحصیلاتش را در کلیسای تادئوس و بادوغمیئوس مقدس در محله حضرت عبدالعظیم و سپس در مدرسه هایکازیان تهران کسب کرد. وی متولد ۱۸۶۴ در تهران بود و با توجه به هوش و استعداد سرشارش پدرش تصمیم گرفت در تعلیم و تربیت فرزندش کوشا تر باشد لذا او را نزر دائیش یرواندیان که در تبریز به سر می برد فرستاد. شخص اخیر خود یکی از اشخاص با معلومات زمان خود بود و زبان فارسی و فرانسه را نیک می دانست. علاوه بر این معلم مظفرالدین شاه در زمان ولایت عهدی بود. ماسهپیان آنگاه در ۱۸۸۲ عازم پاریس شده در آنجا به مدت سه سال به تحصیل پرداخت آنگاه به ایران بازگشت و در دارالترجمه مشغول کار گردید در ضمن برای ناصرالدین شاه چند کتاب ترجمه نمود که مهمترین آنها آثار الکساندر دوما و ویکتور هوگو بودند. وی چند بار به عنوان مترجم همراه هیئت های ایرانی به کشورهای مختلف گسیل شد زیرا زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، عربی، فارسی و ارمنی را نیک می دانست. آنگاه به عنوان کنسول و سفیر ایران در کشورهای آلمان و انگلیس و ژاپن خدمت کرد و در سال ۱۹۳۱ در بین راه ژاپن به ایران چشم از جهان فرو بست. روزنامه های خارجی به او لقب «ارمنی بزرگ» داده اند.

ماسهپیان در ادبیات از نظر ترجمه آثار شکسپیر به زبان ارمنی مشهور است هنوز هم پس از گذشت حدود یک قرن ترجمه های او نظیر ندارند. از مهمترین آثار شکسپیر که وی ترجمه نموده باید کتاب های زیر را نام برد: رومئو و ژولیت، تاجر ونیزی، هاملت، ماكبث، اتلو، لیر شاه، چطور می خواهید؟، قیصر جولوس آنطونیوس، طوفان، جنجال بیهوده، خواب شب نیمه تابستانی. او رومئو و ژولیت را به کمک نصرالملک به فارسی ترجمه کرد.

یکی دیگر از مردان ادبی که ضمناً از رجال سیاسی دوره قاجاریه محسوب می شود میرزا ملکم خان ناظم الدوله است. او در سال ۱۸۳۳ متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در جلفا کسب نموده در سال ۱۸۴۳ برای تحصیل به فرانسه رفت و زبان های مترقی دنیا را فرا گرفته به میهن

بازگشت، به حضور ناصرالدین شاه معرفی و به عنوان مترجم مخصوص شاه وارد خدمات دولتی شد. وی شروع به ترویج فکر آزادیخواهی نمود و «کتابچه غیبی» خود را تنظیم و نزد شاه فرستاد و از او خواست آن را مطالعه کرده به اصلاحات پیشنهادی توجه کند. او برای مقاصد خویش فراموشخانه را بنیان نهاد و سعی در جلب شخصیت های آن دوران نمود. وی کتابهایی از جمله «اقوال علی»، «خطوط آدمیت» و «ضروب و امثال» را در دفترش در بغداد نوشت و پس از پژوهش های دامنه دار متوجه عیوب خط ممالک عربی و ایران گردید و در این مورد دست به ابداع نوعی الفبا زد که از مشخصات آن داخل کردن اعراب در حروف بود. او گلستان را با این خط نگاشت و مقدمه ای مفصل بر آن افزود و در آن به علل عقب ماندگی ملل اسلامی اشاره نمود. او در این رابطه با یکی از ایرانیان مقیم قفقاز به نام آخوندف مکاتبه داشت.

ملکم خان در سالهای مختلف به عنوان سفیر ایران در کشورهای انگلیس، ایتالیا و آلمان خدمت نمود و در کنفرانس برلین توانست قسمت هایی از خاک ایران را که ضمیمه خاک عثمانی شده بود پس بگیرد. وی در سال ۱۸۸۹ پس از الغاء امتیاز لاتاری معزول شد و شروع به نوشتن مقالات، شبنماها و روزنامه قانون و رساله های خود کرد. بی شک میرزا ملکم خان بر روی سبک نگارش و ادبیات سده ۱۹ تأثیر به سزایی داشته است. او پس از ده سال سفارت در ایتالیا در سوئیس درگذشت.

در دهه ۹۰ سده نوزدهم ترجمه های هوسپ میرزایان نماینده ارمنیان در مجلس شورای ملی تقدیم جامعه ادب دوست گردید. وی کتابهایی از والتر اسکات، لرمونتف، مولیر، بایرون و جز آن را به ارمنی ترجمه نمود و از سال ۱۹۱۲ به ترجمه آثار برگزیده ادبیات ایران پرداخت. در این سالها آثاری از سعدی، حافظ، بابا طاهر و مهمتر از همه رباعیات عمر خیام را به ارمنی برگرداند که تا امروز جزو بهترین ترجمه ها بشمار می رود. او بخش هایی از شاهنامه فردوسی و آثار رابیندرانات تاگور را نیز ترجمه کرده است.

پس از دوران انقلاب مشروطه (۱۱-۱۹۰۵) نسل جدیدی از نویسندگان و شاعران پا به عرصه ادبیات نهاد و ادبیات ارمنی کنونی ایران را پایه گذاری نمود. در سال ۱۹۱۴ ماهنامه ادبی-هنری «نور پاتگام» (پیغام نوین) منتشر گردید. در این راستا گروه ادبی «نور اج» (صفحه نوین) در سال ۱۹۳۲ پایه گذاری شد. اعضا این گروه ادبی سعی کردند شیوه های کنونی ادبی را توسط آثار خود به کار گیرند. آنان به آثار و احوال ادبا و ادبیات جهانی آگاهی داشتند. پیشگام تأسیس این گروه را باید هراند فالیان دانست. او با آثاری چون «دشمنان» (باکو ۱۹۰۸)، «چشمان نو» (تهران ۱۹۶۱) و بسیاری آثار دیگر وارد صحنه ادبیات شد. بجز از فالیان افراد زیر نیز در این گروه شرکت داشتند: دو (dev) (مارکار قارابگیان)، آشوت آسلان، آرا (آرا هوانیسیان)، گالوست خاننس، آرشاویر مگردیچ، آرمن گس، زورایر میرزایان (فرزند هوسپ میرزایان) و ر. بن (روبن هوانیسیان).

زورایر میرزایان دارای آثاری چون مجموعه «پیاده رو خیس»، «تگرشی بر ادبیات معاصر ایران»، ترجمه رباعیات باباطاهر و خیام، داستانهای مارک تواین و داستایوسکی و گارسیا لورکا است. نیز مؤلف «زندگانی ابو علی سینا» می باشد.

در ایران برخی از نویسندگان و شعرا تحت تأثیر آثار شعرا و ادبای بزرگ ارمنی چون هوانس تومانیان، یغیشه چارنتس، آودیک ایساهاکیان، سیامانتو، واروژان، میساک مسارتس و به ویژه واهان دریان قرار داشتند. از جمله اینان باید آرام گارونه، گئورگ دارفی و مارکار قارابگیان (دو) را نام برد.

۲-۷- هنر نقاشی

از نظر هنر نقاشی ارمنیان تهران چهره آندره سوروگین (درویش) مشهور است. او به سال ۱۸۹۶ در تهران به دنیا آمد و از سنین جوانی به کار هنری پرداخت و سال ۱۹۱۲ در اروپا به سر برد و ده سال از زندگی خود را از ۱۹۲۵ صرف نقاشی هایی با تم شاهنامه نمود. در ۱۹۳۴ در تهران و سپس در شهرهای بمبئی و کلکته هند و در سال ۱۹۳۶ در وین آثارش را به نمایش گذاشت. از دیگر نقاشان زبردست باید آواک هایراپتیان را نام برد که سعی در ارائه روابط طبیعت و زندگی انسان نموده است. از دیگر نقاشان میکائل شهبازیان و تیگران بازیل قابل ذکرند.

یک گروه کوچک از نقاشان ارمنی تهران که در مراکز هنری اروپا تحصیل کرده اند از جنبش مدرنیستی پیروی می کنند از جمله مارکو گریگوریان (کوبیسم)، هاروتیون میناسیان (آبستراکسیونسم) ادوارد آیوازیان، سدراک غازاریان و سیراک ملکومیان. قابل ذکر است که در سال ۱۹۷۷ نلسون راکفلر سرمایه دار مشهور آمریکا در بازدید از نمایشگاه مارکو گریگوریان در تهران چند تابلو از آثارش را خریداری نموده به کارگاه او می رود و از او جهت نقاشی های منزلش به آمریکا دعوت به عمل می آورد.

۳-۷- موسیقی

تاریخ موسیقی ارمنیان ایران از سده هفدهم سرچشمه می گیرد و تا سده بیستم به صورت آوازهای عاشق ها تبلور می یابد. لیکن موسیقی به معنی امروزی از سده نوزدهم و در مرز سده بیستم پدید آمده است. موسیقیدانان و آهنگسازان موفق به ارتقاء موسیقی به سطح عالی نشدند و تنها برخی از آنان قادر به خلق آثار برجسته گردیدند.

از جمله موسیقیدانان و رهبران برجسته ارکستر باید لئون گریگوریان را نام برد، گرچه او زاده تبریز بود (۱۸۸۶) لیکن پس از طی دوران تحصیل و تلمذ نزد موسیقیدانان گوناگون در

تبریز، تفلیس، بلژیک و پس از تدریس و فعالیت هنری، تشکیل گروه موسیقی «سالن» در تبریز، پس از سال ۱۹۴۶ به تهران منتقل شد و گروه آواز «گوسان» را بنا نهاد. از جمله کارهای او ساختن موسیقی برای چند قطعه شعر آوتیک ایسهاکیان شاعر نامدار ارمنی، تنظیم چند آواز ایرانی قابل ذکرند.

یکی دیگر از چهره های سرشناس موسیقی ارمنی ایران نیکول گالاندریان می باشد. او نیز گرچه در ایران متولد نشده (زاده ۱۸۸۱ در ارمنستان غربی) لیکن پس از تحصیل در زادگاه و انتقال به وارنای بلغارستان (۱۸۹۷) و تفلیس در سال ۱۹۱۱ به دعوت مدرسه «هایکازیان» در تهران مقیم می گردد تا سال مرگش (۱۹۴۴) در همین جا می ماند. برخی از کارهای او اینسان هستند: تنظیم موسیقی بر روی چند شعر از آوتیک ایسهاکیان، واهان دریان، هوانس تومانیان، اپرای منظومه «شکار لالوار» که در مدرسه یاد شده و در تئاتر تابستانی زرتشتیان اجرا گردید، اپرائی بر اساس منظومه «پروانه» اثر هوانس تومانیان، اپرای «چوپان». بسیاری از آثار گالاندریان (کلا "حدود ۱۰۰۰) در مجموعه های مختلف به چاپ رسیده اند. از جمله در جلد های ۵ و ۶ آوازنامه «گانزاران» (گنجنامه) قاهره، «نور هاسکر» (خوشه های نو)، در نشریات ارمنی ایران و در روزنامه فارسی «راهنمای زندگی».

هامبارسوم گریگوریان نیز فعالیت هنری خود را در سالهای ۱۵-۱۹۱۴ به عنوان آموزگار موسیقی در مدرسه ارمنی قزوین و رشت (۱۸-۱۹۱۷) آغاز نموده با بورس اعطایی دولت چکسلواکی به پراگ می رود آنگاه در سال ۱۹۲۴ به پاریس می رود و چهار سال در آنجا تحصیل می کند. سپس به تهران باز می گردد. سالیان متمادی در مدرسه کوشش- داوتیان موسیقی تدریس می نماید. او غیر از تدریس اقدام به تشکیل گروه آواز «کومیتاس» می کند (۱۹۲۹) و فعالیت های گسترده ای در زمینه موسیقی انجام می دهد. او بیش از یکصد اثر (آوازهای گروهی و سولو، تنظیم آوازهای مردمی و عاشق ها، رمانس ها و جز اینها) و نیز بر روی اشعار آوتیک ایسهاکیان و هوانس شیراز شعرای نامدار ارمنستان آهنگ تصنیف نموده است. نقش گروه های آواز در فرهنگ موسیقی جامعه ارمنی بسیار برجسته و مهم است. چنین گروههایی چه در جوار فعالیت های فرهنگی مدارس و چه به صورت گروههای مستقل و یا در کنار انجمن های فرهنگی پدید آمده در سالهای مختلف فعالیت هایی را در جهت شکوفایی و رونق و ترویج موسیقی انجام داده اند، از جمله گروههای آواز مهم باید گروه «کومیتاس» (کومیتاس یکی از برجسته ترین چهره های موسیقی ارمنی است متولد ۱۸۶۹ وفات ۱۹۳۵) یاد شده در بالا را نام برد که خواننده نامدار ارمنستان، هوانس بادالیان نیز زمانی که در ایران به سر می برد در آن آواز می خواند. غیر از این گروه در تهران گروههای دیگری چون «آرمن»، «های یرک» (آواز ارمنی)، گوختان (تأسیس نیکول گالاندریان) و اورارتو نیز وجود داشته اند و برخی از آنان تا کنون فعال می باشند.

در زمینه موسیقی سالهای اخیر نامهای برجسته ای چون امانوئل ملیک اصلانیان، لوریس چکناوریان، روبن گریگوریان، ژورا میناسیان و غیره قابل ذکرند. روبن گریگوریان رهبر ارکستر، آهنگساز، نوازنده ویلن و معلم موسیقی در تفلیس گرجستان متولد شد و در سنین کودکی همراه والدینش به تهران نقل مکان کرد. تحصیلاتش را در مدرسه ارمنی تبریز، کنسرواتوار تهران، مدرسه عالی موسیقی پاریس و کنسرواتوار ملی موسیقی پاریس کسب نمود. وی مدتی مدیر کنسرواتوار تهران، مدیر هنری و رهبر ارکستر سنفونیک تهران بوده است. از سال ۱۳۱۸ به مدت سه سال سرپرستی هیئت ایرانی در یونسکو را عهده دار بود. از آثارش دو قطعه «سوئیت ایرانی» و «عروس تاتراگون» عنوان شاهکار هنری بخود اختصاص داده اند. وی اکنون مقیم ایالات متحده آمریکا بوده رهبری ارکسترها و کنسرواتوارهایی را در آن کشور به عهده دارد.

۴-۷- هنر تئاتر

تئاتر ارمنی ایران در اواخر سده نوزدهم تولد یافت. در دهه های ۷۰ و ۸۰ همین سده در تبریز، تهران و جلفای نو نخستین نمایش های مدرسه ای ارائه گردید. پس از چندی تئاتر از حیطه مدارس بیرون آمده در انجمن ها و گروههای نمایشی تیلور یافت. در ۱۸۸۱ «انجمن دوستداران تئاتر ارمنی» در تهران تشکیل شد و آثاری از گابریل سوندوکیان نمایشنامه نویس بزرگ و آلکساندر شیروانزاده نویسنده توانای ارمنی و دیگران توسط آن به نمایش در آمد. در عین حال آثار اروپایی به ویژه نمایش های مولیر اجرا گردید. از چهره های درخشان که در این زمینه کار کرده اند باید از آلبیان، مانولیان، وسکانیان، سیرانویس، آرمنیان، دوریان، آروس وسکانیان، ژاسمن و دیگران یاد نمود. جای تأسف است که تئاتر ارمنی تهران از سطح آماتور و غیر حرفه ای بالاتر نرفت. در برخی مدارس گروه های نمایش دانش آموزان کار می کرد. در دهه ۵۰ گروه «آدامیان» در ۱۹۵۴ گروه «شانته» و اما در ۱۹۵۵ «گروه دراماتیک ارمنی تهران» تأسیس یافت. لیکن عمر آنان چندان طولانی نبود. گروه تئاتر حرفه ای متشکل از مگردیچ تاشجیان، مانوئل ماروتیان، زوجهای کستانیان در تاریخ تئاتر ارمنی ایران نقش به سزایی ایفا نمود. سردبیر روزنامه «ورازنونده» (رستاخیز) هایک گاراگاش نیز در ترقی حیات تئاتر ارمنی ایران کوشش های قابل توجهی به عمل آورده است.

۵-۷- علوم

در زمینه علوم چهره های برجسته ای در میان ارمنیان بوده اند. از جمله آرشیتکت وارطان، معمار دوران رضا شاه، دکتر آلکساندر باغدیانس عضو هیئت علمی شورای دانشکده علوم پایه پزشکی دانشگاه تهران و جزو ۹ دانشمند ممتاز ایران که جایزه البرز گرفته در رشته بیوشیمی و

فیزیولوژی موفق به کشف هورمون جدید از غده تیروئید گردید. دکتر گایگیک استاد دانشگاه تهران و عضو آکادمی علوم فرانسه که از جانب پاپ پل ششم یک قطعه نشان عالی «کماندور پاپ» در سال ۱۹۷۵ به او اعطاء گردید. پروفیسور آلکساندر (سمبات) آبیان ریاضیدان برجسته که متولد ۱۳۰۲ در تبریز بود و پس از تحصیلات متوسطه و نیز تحصیل در دانشگاه تهران به ایالات متحده آمریکا رفت و دکترای خود را در آنجا اخذ کرده سالهاست در دانشگاههای آنجا تدریس نموده و گهگاه بنا به دعوت به ایران می آمد. دکتر مارکار گریگوریان سرپرست سابق دانشکده مهندسی سازه دانشگاه صنعتی شریف مدتها رئیس کنفرانس بین المللی سازه های فضایی و یکی از بنیانگذاران تحقیقات در این رشته است. خانم دکتر آئوش دریان استاد دانشگاه تهران و سرپرست رصدخانه قابل توجه هستند. در کنفرانس بین المللی ستاره شناسی که در اوت سال ۱۹۷۰ در برایتون تشکیل گردید هفت دانشمند ارمنی از ارمنستان، دو دانشمند ارمنی از فرانسه، دو نفر از ایالات متحده یک خانم دانشمند از مکزیک و خانم دکتر دریان نیز از ایران شرکت داشتند. مهندس آرک مگردیچیان استاد سابق دانشکده راه و ساختمان دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک سابق) نویسنده کتابهای بسیاری در این رشته که مرجع متخصصان و دانشجویان محسوب می گردند.

در زمینه زمین شناسی، زلزله شناسی و آتشفشان شناسی دکتر مانوئل بربریان از چهره های سرشناس ایران بود. وی صاحب تألیفات متعدد در رشته های مربوطه می باشد.

۶-۷- کتابخانه های ارمنی تهران

کتابخانه های ارمنی به سبک امروزی در ایران از نیمه های سده نوزدهم توأم با تأسیس مدارس به وجود آمدند. نخستین کتابخانه ها در تبریز، جلفای اصفهان، رشت و تهران پایه گذاری شدند. غیر از آنها در روستاهای ارمنی نیز کتابخانه هایی عموماً در جوار کلیساها وجود داشت و پس از مهاجرت ارمنیان به شهرها این کتابخانه ها نیز به شهرها و اکثراً در کتابخانه کلیساها ادغام گردیدند. نخستین کتابخانه مستقل در سال ۱۸۷۷ در ناحیه قلعه (قالا) تبریز بنا شد.

تا سالهای دهه ۱۹۳۰ در تهران کتابخانه ها عموماً در جوار مدارس وجود داشتند. در سال ۱۹۳۶ پس از اینکه مدارس به دستور دولت وقت تعطیل شد با کوشش «انجمن خیریه زنان ارمنی» کتابخانه های مدارس در یک جا متمرکز و ادغام شد. بعدها با تصمیم شورای خلیفه گری این کتابها (۴-۳ هزار جلد) تحت سرپرستی «انجمن (کلوب) ارمنیان» در آمد. در دهه ۱۹۷۰ این کتابخانه تعداد ۱۲ هزار جلد کتاب داشت که اکثراً ارمنی بوده، به زبانهای فارسی،

انگلیسی، فرانسه و روسی نیز جلدهایی در آن وجود دارند. پس از انقلاب کتابخانه شورای خلیفه گری مجدداً بازسازی و بازگشایی گردید.

در اینجا ذکر کتابخانه ساکو شایسته است زیرا این کتابخانه (کتابفروشی) در ابتدای تأسیس (۱۹۳۳) در ازای وجوه ناچیز کتاب در اختیار اهل مطالعه قرار می داد. در اثر تلاش و نبوغ صاحب و مدیر آن این کتابخانه تبدیل به یکی از بزرگترین و فعالترین کتابفروشی های ایران و خاورمیانه گردید و امروزه اکثر کتابهای اهل مطالعه توسط این مرکز تأمین شده است. این کتابخانه در شهرهای مختلف ایران دارای شعبه بود و در سال ۱۹۸۳ به کوشش هیئت پنجاهمین سال تأسیس آن با شکوه تمام جشن گرفته شد.

۷-۷- انجمن ها و مؤسسات فرهنگی

نخستین انجمن ارمنیان تهران «انجمن دوستداران تئاتر ارمنی» بود که به سال ۱۸۸۱ تأسیس یافت. در ۱۸۸۴ سالن تئاتر نیز بنیان نهاده شد و هراچیا آجاریان زبانشناس نامی زمانی که در تهران اقامت داشت در نقش «مانوک آقا» در نمایش «گدایان محترم» نوشته ها کوپ بارونیان بازی کرد.

نخستین انجمن ها و یا کلوب های فرهنگی در ایران از سالهای ۱۱-۱۹۰۵ تأسیس یافته اند. در این سالها انجمن هایی در جلفای اصفهان، تهران، تبریز و سپس در رشت، اهواز، اراک، آبادان و مسجد سلیمان و جز آن پایه گذاری شدند. در سال ۱۹۰۷ «انجمن خیریه بانوان ارمنی» تشکیل شد و در سالهای دهه ۱۹۳۰ انجمن های ملی- فرهنگی تحت عناوین کلی «انجمن های ارمنی» پدید آمدند. «انجمن یا کلوب ارمنیان تهران» در سال ۱۹۳۱ به وجود آمد که دارای سالن و امکانات مختلف فرهنگی است. در سال ۱۹۴۳ کتابخانه انجمن نیز افتتاح گردید.

در ماه مه سال ۱۹۵۷ انجمن «گارون» (به معنی بهار) به همت گروهی از جوانان ارمنی تأسیس شد. این انجمن با ماهیت فرهنگی خود محفلی برای ادب- دوستان جهت استماع سخنرانیها، شرکت در جلسات ادبی و مانند آنها بود و گهگاه فیلم ها و نمایشهای تئاتر نیز در آنجا ارائه می گردید.

دیگر انجمن هایی که در تهران تشکیل شده اند که اکثرشان هنوز هم به فعالیت خود ادامه می دهند بدین قرارند: انجمن زنان ارمنی (تأسیس ۱۹۳۹)، باشگاه فرهنگی و ورزشی آرات (۱۹۴۴) کلوب ارمنیان (۱۹۵۴)، انجمن نویسندگان ارمنی (۱۹۶۲) باشگاه فرهنگی و ورزشی سپیان، باشگاه شاه عزیز، انجمن ملی و فرهنگی ارمنیان ایران، انجمن فرهنگی آرمن، انجمن فرهنگی آبوویان، انجمن فرهنگی ساناهین، انجمن ادب دوستان ارمنی چهارمحال (تأسیس ۱۹۳۰ در آبادان، شبهه تهران ۱۹۴۳)، انجمن فرهنگی ارمنیان قره داغ، انجمن فرهنگی اربونی، انجمن

کل خیریه ارمنی، انجمن زنان دوستدار کلیسای ارمنی (۱۹۲۸)، انجمن دانشگاهیان ارمنی، کانون فرهنگی ارمنی، انجمن جنبش مردمی ارمنی و جز اینها. از مؤسسات غیر فرهنگی می توان درمانگاه آودیسیان تهران وابسته به خلیفه گری و درمانگاه گریگوریس یاد کرد که فعال می باشند.

۷-۸- چاپخانه های ارمنی تهران

بنا به آگاهی های موجود نخستین چاپخانه ارمنی تهران پیش از اول ژانویه ۱۸۹۴ با کمک های مالی ارمنیان جاوه که از اهالی قدیمی جلفا بودند تأسیس گردید. در این تاریخ نخستین شماره نشریه «شاویغ» به چاپ رسید و از سویی نیز اطلاع داریم در سالهای پایانی دهه ۸۰ سده ۱۹ کمک های مالی برای انجام این کار گردآوری می شده است. این چاپخانه به نام چاپخانه «جاواهای» (چاپخانه ارمنیان جاوه) معروف است.

تا کنون چاپخانه های ارمنی زیر در تهران تأسیس شده اند:

آلیک (۱۹۵۰)، الوان (۵۲-۱۹۴۳)، آنی (۱۹۵۶) که اکنون باید آن را از این فهرست خارج نمود زیرا با تغییر مدیریت نام آن به «نخستین» تبدیل شد و در خدمت نشریات ارمنی نیست. چاپخانه آراکس (۱۹۵۵)، بسفر، گارون، گوتنبرگ، گروه (groh)، تهران، ایرانچاپ (۵۶-۱۹۴۲)، خیام، نائیری (۱۹۵۹)، نوربخش (یا ماسیس ۱۹۵۵)، چاپکار، جاواهای (۱۸۹۴)، رازی، روشنایی، ورازونوند (یا بوبوخ ۵۳-۱۹۳۳)، پاروس (۶۳-۱۹۰۱)، فارابی (۱۹۷۵)، فرانسوا ملک کرم، چاپخانه مدرن (چاپ جدید، ۱۹۲۲). اکنون چاپخانه های ارمنی تهران عبارتند از: آلیک، مدرن، آراکس، فارابی، نائیری، نوربخش. چاپخانه مدرن از ۱۹۲۲ تا ۱۹۸۲ تعداد ۳۴۰ عنوان کتاب ارمنی و ۳۱ عنوان کتاب به زبانهای فارسی، انگلیسی و روسی و ۱۱ عنوان جریده چاپ کرده است. نشریات بسیار زیادی در چاپخانه پاروس چاپ شده اند.

۷-۹- مدارس

نخستین مرکز آموزشی ارمنی در تهران در دهه ۱۸۵۰ به شکل مکتب های مذهبی در جوار کلیسا کار می کرد و شاگردان با کتابهای مذهبی خواندن و نوشتن می آموختند. نخستین مدرسه به سبک اروپایی در سال ۱۸۷۰ به همت میکائل سارکیسیان (اهل استامبول)، هوسپ گاسپاریان (اهل دمشق) و کاراپت بازرگانیان (اهل ترکیه) با تأسیس انجمن دانش دوستان بنا نهاده شد. در این سال در محله دروازه قزوین و در کنار کلیسای گنورگ مقدس مدرسه هایکازیان تأسیس یافت. شاگردان مدرسه هنگام مراجعت ناصرالدین شاه از اروپا با خواندن آواز در مراسم استقبال

شاه شرکت می کنند، شاه نیز به عنوان سپاسگزاری کمک مالی سالانه معادل ۲۰۰ تومان برای مدرسه مقرر می کند که بعدها به ۳۰۰ تومان افزایش می یابد.

مدارس آمریکائی و فرانسوی تهران پس از این مدرسه تأسیس می شوند. قابل توجه است که هوانس ماسهیان یاد شده در همین مدرسه درس خوانده بود. پس از اینکه اکثر ارمنیان از آن منطقه به محل حسن آباد انتقال مکان یافتند این مدرسه نیز شعبه ای در محل جدید تأسیس کرد (در سال ۱۹۰۳ در محل کنونی مدرسه کوشش واقع در خیابان میرزا کوچک خان فعلی). تدریجاً "جمعیت ارمنی دروازه قزوین کاهش یافته به علت کمبود دانش آموز شعبه مدرسه هایکازیان در آنجا به سال ۱۹۱۶ تعطیل گردیده شاگردان در محل جدید مدرسه متمرکز شدند. در سال ۱۹۳۳-۱۹۳۲ شخص نیکوکار از اهالی قبلی جلفای اصفهان و ساکن هندوستان به نام داویت داوتیان با کمک های مالی خود ساختمان جدیدی بنا نمود و مدرسه ملی آرامنه داوتیان تهران نام یافت. قابل ذکر است که تا سال ۱۹۰۵ کلاسهای درس دختران و پسران جداگانه تشکیل می شد. در سال تحصیلی ۷-۱۹۰۶ تصمیم به ادغام این کلاسها گرفته شد و مدرسه به صورت مختلط در می آید. البته در اواخر سال ۱۸۹۳ برخی از اعضاء انجمن اقدام به تأسیس مدرسه جداگانه دخترانه نمودند اما به علت مشکلات مالی پس از دو سال تعطیل گردید. پس از آن مدرسه جداگانه دخترانه وجود نداشت تا سال ۱۹۵۴ که با نیکوکاری مارکار سارکیسیان از اهالی سلماس به یاد دختر از دست رفته اش مریم، ساختمان با شکوه دبیرستان دخترانه مریم بنا شد. قابل ذکر است که در سال ۱۹۳۵ به دستور رضاخان مدارس ارمنی تعطیل شد. مدرسه هایکازان که اکنون به مدرسه ملی آرامنه داوتیان نامگذاری گردیده بود نیز به دنبال این دستور تعطیل و پس از ۶ سال در پاییز ۱۹۴۲ باز گشایی شد. طبق امتیاز نامه مدرسه به کوشش تغییر نام یافت ولی در عمل به مدرسه کوشش داوتیان مشهور گردید.

اکنون دبیرستان کوشش شامل دو بخش است یکی بخش پسرانه که به کوشش داوتیان معروف است و دیگری بخش دخترانه به نام مدرسه مریم. در سال ۷۰-۱۹۶۹ در دبستان کوشش ۷۰۷ شاگرد دختر و پسر و در دبیرستان ۱۱۲۴ شاگرد تحصیل می کردند.

پس از تعطیلی مدارس ارمنی در ۱۹۳۶، در سال ۱۹۴۱ مدارس ارمنی تهران بازگشایی شدند. در سال ۱۹۴۲ در محله بهجت آباد مدرسه "دانایی" توسط ارمنیان تأسیس یافت که به علت مسایل مالی و کاهش تعداد دانش آموزان (به علت مهاجرت سکنه به محلات دیگر) در سپتامبر ۱۹۶۸ به مدرسه ملی آراکس پیوست. پس از ۱۹۴۶ مدرسه آرام (آبویان) شاه عزیز (حشمتیه)، حق نظریان (یوسف آباد) تأسیس شد. مدرسه آراکس در یوسف آباد، آنی ("رستم") در بهار، شاه عباس (آرام) در سیدخندان، در ۱۹۵۸ مدرسه ساهاکیان (حشمتیه) در همین سالها مدرسه آراارات در مجیدیه (۱۹۵۶) و در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مدارس هور، نائیری، تونیان، مدرسه بستان، در سال تحصیلی ۴۷-۱۹۴۶ مدرسه ساندوخت، در ۱۵ نوامبر ۱۹۴۸ مدرسه نرسیسیان (در بهجت آباد)، در ۱۹۵۲ مدرسه نوبار، و در سال بعد مدارس تابان، رافی، ستایش، پرتوی، آلیشان

تأسیس یافتند. در سال ۱۹۴۲ کودکستان کوشش (با کمک مالی آیدینیان)، کودکستانهای برسابه (۱۹۳۱)، تومانیان (۱۹۴۴) بنا نهاده شدند. غیر از آن میسیونرهای پروتستان آمریکایی دارای مدرسه بودند (با ۵۶ شاگرد پسر و ۵۴ دختر ارمنی)، در مدرسه لازاریست های فرانسوی ۴۰ شاگرد پسر و ۳۸ دختر ارمنی تحصیل می کردند.

جدول زیر نشانگر مدارس ارمنی تهران به همراه سال تأسیس و تعداد آموزگاران و شاگردان می باشد:

ردیف	نام مدرسه	سال تأسیس	تعداد شاگردان ۱۹۷۱-۷۲	آموزگاران ارمنی	آموزگاران غیر ارمنی
۱	کوشش داوتیان	۱۸۷۰	۱۵۷۳	۳۸	۶۳
۲	کودکستان کوشش	۱۹۴۲	۴۴۹	۱۹	-
۳	سهاکیان	۱۹۴۸	۱۰۸۶	۳۲	-
۴	رستم	۱۹۵۲	۴۳۴	۱۶	۱۰
۵	آرام(شاه عباس)	۱۹۵۳	۱۰۴	۹	۹
۶	هور	۱۹۵۳	۱۳۵	۷	۶
۷	کوشش مریم	۱۹۵۴	۷۸۱	۱۸	۵۱
۸	آراکس	۱۹۵۴	۴۱۴	۱۷	۶
۹	نائیری (دخترانه)	۱۹۵۵	۱۷۶۹	۴۲	۳۸
۱۰	آارات	۱۹۵۶	۷۶۶	۲۳	۲۱
۱۱	تونیان	۱۹۵۷	۱۳۹۸	۳۱	۲۲
۱۲	حق نظریان	۱۹۵۷	۱۰۴	۷	۳
۱۳	نائیری (پسرانه)	۱۹۶۹	۴۷۸	۱۳	۹
۱۴	نوبار	۱۹۵۲	۲۵۱	۱۱	۹
۱۵	گلبنگیان	۱۹۶۶	۶۰۲	۱۸	۱۲
۱۶	گوهر	۱۹۴۹	۱۹۵	۱۰	۲
۱۷	آلیشان	۱۹۶۲	۳۶۸	۲۰	۱
۱۸	نورافشان	۱۹۶۰	۲۲۰	۸	۵
۱۹	ادونتیست	۱۹۶۶	۸۳	۵	۱۳

۲۰	سارواریان	۱۹۱۰	۲۵۰	۹	۹
۲۱	برسایه	۱۹۳۱	۱۶۴	۸	۱۵
۲۲	بوستان	۱۹۴۲	۹۳۹	۳۰	۳۰
۲۳	ساندوخت	۱۹۴۶	۴۰۶	۱۲	۲۱
۲۴	تابان	۱۹۵۳	۲۸۰	۷	۸
۲۵	نورآنی	۱۹۶۳	۳۱۶	۱۳	۸
۲۶	پرتوی	۱۹۶۳	۱۷۰	۳	۹
۲۷	مازیار	۱۹۶۴	۴۱۹	۱۰	۱۸
۲۸	آتابک	۱۹۶۴	۵۸	۲	-
۲۹	آلیک	۱۹۶۶	۵۱۱	۶	۲۳
۳۰	بسوی دانش	۱۹۶۶	۵۳	۷	۴
۳۱	ایران پیروز	۱۹۶۶	۵۶۸	۱۳	۱۲
۳۲	توماسیان	۱۹۷۰	۶۰۱	۱۶	۳۲

۱۰-۷- نشریات ارمنی تهران

نخستین نشریه های ارمنی تهران هفته نامه "شاویغ" (راه یا روش) که در سالهای ۹۷-۱۸۹۴ و «شارژوم» (جنبش) که در ۹۷-۱۸۹۴ انتشار یافته اند، می باشند. در فهرست زیر نشریات مختلف اعم از روزنامه، هفته نامه، فصل نامه، سالنامه، گاهنامه و مانند آنها که در تهران چاپ شده اند ارائه می گردند ضمناً اعداد داخل پرانتز سال آغاز انتشار را نشان می دهد:

۱. آبوویان: سالنامه، تقویم (۱۹۸۲).
۲. آپاگا: ماهنامه، فرهنگی، اجتماعی، صاحب امتیاز - مدیر مسئول و سردبیر ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک) (۱۹۹۹-۱۹۹۵).
۳. آپاگا: فصلنامه پژوهش های ایرانی و ارمنی، صاحب امتیاز - مدیر مسئول و سردبیر ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک) (۲۰۰۰ تا کنون).
۴. آرارات: هفته نامه، هنری، ورزشی، ارگان باشگاه آرارات (۶۰-۱۹۵۹).
۵. آراکس: ماهنامه، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ارگان انجمن جنبش مردمی ارمنی، در ابتدا با نام «آراز» صاحب امتیاز آنا عیسائیان، تا کنون منتشر می شود (۱۹۸۷).
۶. آراود (بامداد): هفته نامه (۶۰-۱۹۵۹).
۷. آرپی: ماهنامه ادبی، هنری، مدیر ه. تادئوسیان (۵۳-۱۹۴۹).

۸. آروس: تنها یک شماره (۱۹۵۰).
۹. آرشالویس (بامداد): هفته نامه (۱۹۱۲).
۱۰. آرمز: هنری، ادبی، تئاتر، مدیر آربی آوانسیان (۱۹۶۴).
۱۱. آرموهی: ماهنامه، ادبی، مدیر: آندره در اوهانیان (۵۵-۱۹۴۹).
۱۲. آروسیاک: (۴۲ و ۳۶-۱۹۳۵).
۱۳. آزدارار جشمارتوتیان (اعلامیه حقیقت): (۱۹۴۷).
۱۴. آستغ آرولیان (ستاره شرق): هفته نامه (۱۸۹۳ و یا ۱۸۹۶).
۱۵. آشخاتانک (کار): یومیه (۱۹۴۶).
۱۶. آلیک یومیه (موج): سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاکنون منتشر می شود، صاحب امتیاز آلبرت عجمیان (۱۹۳۱).
۱۷. آلیک جوانان: دو هفته نامه (۱۹۶۹).
۱۸. آلیک ماهانه: (۶۶-۱۹۶۲).
۱۹. آلیک : تقویم (۱۹۸۲).
۲۰. ایرانی آراوود (بامداد ایران): هفته نامه (۱۹۱۸).
۲۱. ایرانی آشخاداور (کارگر ایرانی): هفته نامه (۱۹۱۶).
۲۲. بارسکاهای دارتسویتس (سالنامه ارمنی ایران): سالنامه (۳۰-۱۹۲۷).
۲۳. بانور (کارگر): هفته نامه (۲۵-۱۹۲۳).
۲۴. باهاک (پاسدار): دو روز یکبار (۱۹۵۲).
۲۵. باهاک: ماهنامه (۵۲-۱۹۵۱).
۲۶. بوبوخ: هفته نامه، کودکان و نوجوانان (۴۳-۱۹۴۰).
۲۷. بوبوخ: نخست دو هفته نامه سپس هفته نامه، نشریه فکاهی، مدیر هاییک گاراگاش (۱۹۲۰-۱۹۴۲).
۲۸. پیمان : گاهنامه فرهنگی ، صاحب امتیاز لون داوتیان (۱۹۹۶).
۲۹. پیونیک: هفته نامه سیاسی، اجتماعی فرهنگی (۸۳-۱۹۷۹).
۳۰. تساخاول: هفته نامه، مدیر: یرواند بازن، سردبیر میرزایان (۵۸-۱۹۵۰).
۳۱. تساخاول: مجموعه فکاهی (۴۳-۱۹۴۲).
۳۲. چارنتس: سالنامه، تقویم (۱۹۸۳).
۳۳. رافی: سالنامه، سردبیر داجات بوغوسیان (۷۰-۱۹۶۹).
۳۴. رافی: تقویم، داجات بوغوسیان اکنون آرمینه بوغوسیان (۱۹۴۱).
۳۵. رنجبر: احتمالاً" ارگان کمونیست های اولیه بوده است (۱۹۲۱).
۳۶. رنجبر ایرانی: هفته نامه (۲۳-۱۹۲۱).
۳۷. زیازان: ماهنامه، ارگان انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران (۱۹۸۲).

۳۸. شارژوم (جنبش): هفته نامه (۹۷-۱۸۹۴).
۳۹. شایخ (راه یا روش): هفته نامه، چاپ سنگی (۱۸۹۷-۱۸۹۴).
۴۰. گاگاپار (فکر و عقیده): هفته نامه، مدیر: آرام بگیان (۲۷-۱۹۲۵).
۴۱. گیدوتیون یو آروست (دانش و هنر): (۱۹۴۶).
۴۲. گارون (بهار): روزنامه (۱۹۴۵).
۴۳. گانتغ (مشعل): سالنامه- تقویم، مدیر: هوانس در پطروسیان از سال ۱۹۵۹ تا کنون.
۴۴. لوسابر (روشنی بخش): مؤسس: آشوت مرادخانیان، ماهنامه (۷۱-۱۹۴۹).
۴۵. لویس (روشنایی): دو ماهنامه، (۴۵-۱۹۴۳).
۴۶. لویس: دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، صاحب امتیاز - مدیر مسئول و سردبیر ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک) (مارس ۲۰۰۰).
۴۷. ماسیس: نخستین سالنامه و تقویم ارمنی در ایران. مدیر: هایک عجمیان، ابتدا در تبریز سپس در تهران انتشار یافت (۱۹۲۱).
۴۸. مهبان (مبعد): مدیر: آ. یقیانس، هفته نامه (۱۹۲۴).
۴۹. مشاگویت (فرهنگ): تنها یک شماره (۱۹۴۴).
۵۰. میوتیون: ؟.
۵۱. نائیری: سالنامه، تقویم. ساموئل ساروخانیان و سبوه امیرخانیان (۱۹۵۳).
۵۲. نور آج (برگ نو): بنام شرکت دوستداران ارمنیان، گاهنامه (۷۵-۱۹۳۵) (شماره ۱-۱۸).
۵۳. ناواسارد (نوسرد): گاهنامه (۳۹-۱۹۳۷).
۵۴. نور آغیبور (چشمه نو): ماهنامه (۴۸-۱۹۴۲).
۵۵. نور آیک (بامداد نو): هفته نامه (۵۳-۱۹۵۱).
۵۶. نور خسک (سخن نو): دو روزنامه (۱۹۳۰).
۵۷. نور خسک (سخن نو): هفته نامه (۸۰-۱۹۷۹).
۵۸. نور پادگام (پیام نو): هفته نامه (یا ماهنامه) (۲۵-۱۹۲۴).
۵۹. نور گاگاپار: تنها یک شماره ۱۹۲۶.
۶۰. نور گیانک (زندگی نوین): هفته نامه ۲۷-۱۹۲۲.
۶۱. نور هاسکر (خوشه های نو): دو هفته نامه (۳۶-۱۹۳۵).
۶۲. ورازنوند (رستاخیز، تجدید حیات): هفته نامه و یومیه، (۵۳-۱۹۳۰).
۶۳. های مشاگوتائین کازماکربوتیون: تقویم ۱۹۸۱.
۶۴. هور: ماهنامه (۷۴-۱۹۷۱).
۶۵. هوریزون (افق): هفته نامه ۱۹۲۰.

غیر از این نشریات تعداد ۷۹ نشریه دیگر به صورت ماشین نویسی شده تکثیر دستی در شهرهای مختلف ایران به چاپ رسیده اند که از این تعداد ۳۳ نشریه در تهران بوده است. اکنون در تهران فقط نشریه های زیر انتشار می یابند:

- ۱- روزنامه یومیه آلیک.
- ۲- ماهنامه آراکس.
- ۳- گاهنامه پیمان.
- ۴- دوهفته نامه لويس.
- ۵- فصلنامه آپاگا.
- ۶- گاهنامه سورهانداک (ارگان جامعه ارمنیان انجیلی)
- ۷- گاهنامه آراارات (بولتن داخلی سازمان فرهنگی-ورزشی آراارات).
- ۸- تقویم های رافی ، نائیری ، گانتغ.

۱۱-۷- فرقه های مذهبی ارمنی

اهم فرقه های مذهبی ارمنی به قرار زیرند:

- ۱-ارمنیان گریگوری: اکثریت مطلق ارمنیان عضو کلیسای گریگوری هستند که قدیمی ترین کلیسای ارمنی است.
- ۲- ارمنیان کاتولیک، تابع پاپ و واتیکان هستند اما با ارمنیان گریگوری همکاری نزدیک دارند.
- ۳- ارمنیان ارتدکس: اکثراً در آذربایجان سکونت دارند.
- ۴- ارمنیان شنبه دار: عده ای از کشیشان آمریکایی این عقیده را بنا نهادند و گروهی کوچک از ارمنیان پیرو آندند.
- ۵- ارمنیان کرملیت: شعبه ای از فرقه کاتولیک است که اولین گروه کشیشان آنها در سال ۱۶۲۵ از جبل کرمل به ایران آمدند و تعدادشان بسیار کم است.
- ۶- ارمنیان پروتستان: آمریکاییان پایه گذار آندند و مقر اصلی آنها در کلیسای انجیلی خیابان میرزا کوچک (قوام السلطنه سابق) پایین تر از خیابان جمهوری (نادری سابق) است.

در ایران سه حوزه اسقفی گریگوری وجود دارد:

- ۱-حوزه اسقفی جلفای نو و هندوستان که مقرش در جلفای اصفهان است.
- ۲- حوزه اسقفی تهران و شهرهای تابعه.
- ۳- حوزه اسقفی آذربایجان.

حوزه اسقفی تهران شامل شهرهای تهران، اراک، قزوین، ونک، روستاهای اطراف تهران، رشت، انزلی، گرگان، ساری و مشهد است و در سپتامبر ۱۹۴۴ تشکیل شد. پیش از این تاریخ به حوزه جلفای اصفهان وابسته بود. در این سال وارتاپت واهان کستاندیان از اجمیادزین مقرر جاثلیق کل ارمنیان دنیا به تهران فرستاده شد. وی پس از مدتی کوتاه (ژانویه تا ژوئن ۱۹۴۵) به عنوان رهبر حوزه اسقفی ایران و هندوستان به جلفای نو گسیل شد لذا اسقف روبن درامیبان جانشین او گردید (از ژانویه ۱۹۴۵ تا دسامبر ۱۹۴۸). از سال ۱۹۶۰ در اثر قطع ارتباط با اجمیادزین، رهبران حوزه ها از آنتیلیاس مامور می شوند. از این سال تا ۱۹۹۹ شادروان اسقف اعظم آرداک مانوکیان رهبر حوزه تهران بود اکنون اسقف سبو سرکیسیان جانشین وی شده است. قابل ذکر است که یک شورای خلیفه گری نیز در کنار کلیسا فعالیت می کند. اعضاء این شورا توسط مردم انتخاب می گردند و خلیفه یا رهبر قاعدتا" توسط این شورا برگزیده شده به تأیید جاثلیق می رسد.

۱۲-۷- کلیساهای ارمنی تهران

قدیمی ترین کلیسای ارمنی تهران در سال ۱۷۶۸ بنا شد. اکنون کلیساهای زیر در تهران موجودند:

- کلیسای استوازازین مقدس تأسیس ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵ واقع در خیابان میرزا کوچک خان بالاتر از خیابان جمهوری.
 - کلیسای گئورگ مقدس (۱۷۹۰ تا ۱۷۹۵) واقع در دروازه قزوین.
 - کلیسای تادئوس باردوغیمئوس تأسیس ۱۷۶۸ تجدید بنا در ۱۸۲۰ واقع در دروازه حضرت عبدالعظیم.
 - کلیسای تارگمانچاتس مقدس تأسیس ۱۹۶۸ واقع در وحیدیه.
 - کلیسای میناس تأسیس ۱۸۵۲ ترمیم ۱۸۷۵ واقع در ونک.
 - کلیسای کوچک هوانس تأسیس ۱۹۳۸ واقع در گورستان دولاب.
 - کلیسای سارکیس مقدس (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰) واقع در خیابان کریم خان زند.
 - کلیسای گریگور لوساورپچ مقدس (۱۹۸۲) واقع در مجیدیه.
 - کلیسای استپانوس مقدس (۱۹۷۴) واقع در گورستان جدید ارامنه به نام نور بوراستان.
 - کلیسای وارتان مقدس واقع در ده متری ارامنه حشمتیه.
- ارمنیان کاتولیک نیز کلیسایی به نام گریگور لوساورپچ مقدس دارند که در سالهای ۵۴-۱۹۵۰ بنا شده است. کلیسای ارمنیان پروتستان نیز در سال ۱۹۴۶ بنا شده هوانس مقدس نام دارد. فرقه های دیگر مذهبی نیز دارای نمازخانه ها و کلیساهای جداگانه می باشند.

منابع

- دایره المعارف بزرگ ارمنی جلد ۴، ایروان: ۱۹۷۸.
- سالنامه رافی جلد‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱، ۱۹۷۰، داجات بوغوسیان.
- تاریخ جلفای نو، هاروتیون هوهانسانس، جلفای نو ۱۸۸۰ برجه آشخاریار ۱۹۸۰ توسط کشیش پتروسیان
- تاریخ روستاهای ارمنی چهارمحال، آندرانیک ساریان، تهران ۱۹۸۰.
- ارمنیان ایران، نازار گوریانس، تهران ۱۹۶۸.
- ارامنه در حومه الیکودرز، آ. هواساپیان، تهران ۱۳۵۴.
- روستاهای چهارمحال ایران، کشیش ادگاریان، تهران ۱۹۶۳.
- اوضاع حقوق بین المللی ارمنستان، آ. یسایان، ایروان ۱۹۶۷.
- تاریخ ارمنستان، دو جلد، گروه نویسندگان، ترجمه ا. گرمانیک تهران: ۱۳۶۰.
- روستاهای چهارمحال، و. آندریاسیان، جلفای نو، ۱۹۷۷.
- کلیساهای ارمنی ایران، لئون میناسیان، جلفای نو ۱۹۸۳.
- خاطرات زندگی کشیش مسروپیان، جلفای نو ۱۹۸۳.
- پنجاهمین سالگرد تأسیس انجمن زنان طرفدار کلیسای ارمنی تهران (۷۸-۱۹۲۸) تهران ۱۹۷۸.
- چاپخانه مدرن و کتابهای منتشره آن، ۸۲-۱۹۲۲، جلفای نو لئون میناسیان، ۱۹۸۴.
- بازیگ، آندرانیک بگیچانیان، جلفای نو ۱۹۷۹.
- مهاجر نشین های ارمنی امروز، س. گاسپاریان، ایروان ۱۹۶۲.
- تاریخ مختصر مهاجر نشین های ارمنی، دو جلد، آ. آبراهامیان، ایروان ۶۷-۱۹۶۴.
- کشورها و مردمان خاور نزدیک و میانه، جلد ۸، ایران، ه. ه. مارتیروسیان، ایروان: ۱۹۷۵.
- ایرانیان ارمنی، اسماعیل رائین، تهران: ۱۳۵۶.
- میرزا ملکم خان، اسماعیل رائین، تهران ۱۳۵۳.
- پیروم خان، اسماعیل رائین، تهران: ۱۳۵۵.
- هم میهنان نقش آفرین مسیحی، عباسعلی صالحی تهران: بی تا.
- انجمن های سری در انقلاب مشروطیت، اسماعیل رائین، تهران: ۱۳۵۵.
- حزب دانشناکسوتیون، به مناسبت ۷۵-امین سالگرد، تهران: ۱۹۶۵.
- تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، جلد‌های ۴-۱، اصفهان: ۶۴-۱۳۶۳.
- رستم التواریخ، محمد هاشم، به کوشش محمد مشیری، تهران: ۱۳۴۸.

- تاریخ زندیه (کریم خان زند و زمان او)، پرویز رجبی، تهران ۱۳۵۵ .
- تاریخ تهران، عبدالعزیز جواهر کلام، تهران: ۱۳۵۷.
- تهران قدیم، جعفر شهری، تهران: ۱۳۵۷.
- خاطرات زندگی هراچیا آحاریان، ایروان: ۱۹۶۷.
- میرزا ملکم خان ناظم الدوله، فرشته نورائی، تهران: ۱۳۵۲.
- پنجاهمین سالگرد روزنامه آلیک، ۸۱-۱۹۳۱، تهران: ۱۳۶۰.
- جمهوری ارمنستان، سیمون وراتسیان، تهران: ۱۹۸۲.
- اطلس کامل شهر تهران، انتشارات گیتاشناسی، تهران: ۱۳۶۴.
- شماره های مختلف روزنامه آلیک، ماهنامه زیازان، آراکس، تقویم های رافی، گسائتغ، گارون، چارنتس، نائیری، آبوویان و جز آن.
- بزرگداشت پنجاهمین سالگرد کتابسرای ساکو، تهران: ۱۳۶۲ (۱۹۸۳).